

بچه‌ها در فرهنگ سرای ترافیک با فرهنگ عزاداری و دفاع از کشور آشنا شدند

حسینیه ایرانی کودکان

عیدگاه

با دشمن‌های ظالم جنگید. ما هم باید برای دفاع از خانواده، دین و کشورمان در مقابل دشمنان بایستیم. امیر حسین زاده هم درباره شناختن از امام حسین (ع) در برنامه امروز می‌گوید: من فهمیدم که امام حسین (ع) بچه‌ها را خیلی دوست داشت.

مدیر فرهنگ سرای ترافیک توضیح می‌دهد: این برنامه با همراهی گروه‌های مردمی تدارک دیده شد تا در ایام دهه دوم، بچه‌ها در اوقات فراغتی که دارند تا حدودی سرگرم عزاداری شوند و از همه مهم‌تر در این زمینه آموزش ببینند و آشنایی‌شان با این فضا بیشتر شود.

به گفته محمود زمانی در سه روز برگزاری این برنامه بیش از ۱۲۰ کودک و نونهال شرکت کرده و از بخش‌های برنامه استقبال کرده‌اند.

چون اوریگامی بلد م، دوست داشتم چیزی بسازم که شبیه اتفاقات و فضای روز عاشورا باشد. امشب هم این خیمه‌هایی را که ساخته‌ام، می‌برم تا در فضای هیئت نصب کنم. یکی دیگر از بچه‌ها اوریگامی موشک‌های ایرانی را درست کرده است و روی آن نوشته «موشک خیبر». محدثه حلیمی می‌گوید: وقتی مربیان برنامه گفتند می‌توانیم اوریگامی با موضوع جنگ دوازده روزه با رژیم صهیونیستی بسازیم، اولین چیزی که به ذهنم رسید، ساخت موشک ایرانی بود. به نظرم این موشک‌ها مایه افتخار ما شدند و توانستیم از ایران‌نمان دفاع کنیم.

● امام حسین (ع) بچه‌ها را دوست داشت

معین، صدرا و امیر بعد از حضور در بخش گرییم با چهره‌ای متفاوت وارد فضای برنامه می‌شوند. روی لیپشان نقشه ایران حک شده و روی پیشانی‌شان یا حسین (ع) نوشته شده است. در عین حال که ذوق کودکانه‌ای دارند، با ۱۰ سال سن متوجه هستند که فضای برنامه، برای یک حزن تاریخی است. بعد از گرییم با پرچم‌های کوچک یا حسین (ع) در میان برنامه می‌چرخند. امیر شادلو می‌گوید: من سه سال است با مادرم به روضه و هیئت می‌روم. خوشحال شدم که قرار است اینجا باشم. معین فرزامی هم درباره آنچه در این برنامه یاد گرفته است، می‌گوید: امام حسین (ع) برای دفاع از دین و خانواده‌اش

بهشتی اپی‌راهن و تیشرت‌های مشکی‌شان را پوشیده‌اند و دست در دست پدر و مادرشان می‌آیند. یکی زنجیر هیئت به دست دارد و یکی‌شان با پرچم یا حسین (ع) وارد فرهنگ سرای ترافیک می‌شود. پرانرژی هستند و مدام می‌پرسند: «مراسم کی شروع می‌شود؟» کودکان منطقه ۱۱ آمده‌اند تا در مراسم عزاداری حسین (ع) ارادت خود را نشان دهند. «حسینیه کودک» بهانه‌ای شده است تا در دهه دوم محرم با مؤلفه‌های زندگی حسینی و دفاع از ایران اسلامی بیشتر آشنا شوند.

● موشک‌سازی به شیوه کودکان مشهدی

دور هم جمع می‌شوند و مراسم را با سینه زنی و زنجیر زنی شروع می‌کنند. هر کدامشان درباره این مراسم، یک مدل فکر و آگاهی دارند ولی می‌خواهند بیشتر از قبل بدانند و سوگواری هم بکنند. با توجه به جنگ دوازده روزه برنامه به نوعی در نظر گرفته شده است تا بچه‌ها به این موضوع هم واکنش نشان دهند، جمله‌ای برای ایران بنویسند، طرحی برای نیروهای نظامی اجرا کنند یا شعار «جانم فدای ایران» سردهند. یکی از بخش‌های جذاب حسینیه کودک فرهنگ سرای ترافیک برای بچه‌ها، درست کردن طرح‌های اوریگامی است. کودکان و نوجوانان با کاغذهای رنگی‌ای که تهیه شده است، طرح‌های متفاوتی مرتبط با ایام محرم و جنگ دوازده روزه ساخته‌اند. بچه‌ها تلاش می‌کنند ضمن ساخت فضایی با خیمه‌های کاغذی، صحنه صحرای کربلا در روز عاشورا را ایجاد کنند. فرشاد اسعدی که چند خیمه متصل به هم ساخته است، می‌گوید:



نوجوان محله صادقیه دقت و تمرکزش را مدیون تکواندو است

دستاوردهای رزمی رز

امید محله

البته متأسفانه از ورزش‌های رزمی هیچ حمایتی نمی‌شود. من برای شرکت در هر مسابقه باید حدود یک میلیون تومان پرداخت کنم که این مبلغ در کنار شهریه باشگاه هزینه زیادی می‌شود. با این هزینه‌های زیاد فعلاً به سطح کشوری فکر می‌کنم.

● خودت سعی کرده‌ای با روشی در صرافه جویی مالی به والدینت کمک کنی؟

چون به کلاس‌های مختلف می‌روم که هزینه زیادی دارند، سعی می‌کنم به نوعی با نگهداری خوب لوازم مصرفی‌ام همچون کیف، لباس و کفش جبران کنم.

● موفقیت در رشته‌های رزمی به چه ویژگی‌هایی نیاز دارد؟

به تلاش و دقت. مثلاً من در پومسه باید طوری دست و پایم را هم‌زمان حرکت بدهم که صدای حرکت لباسم هم بیاید. هیچ ورزشکاری به این مهارت نمی‌رسد، مگر با پشتکار و دقت بالا.

● تاکنون آسیب هم دیده‌ای؟

وقتی کمر بند سبز و زرد داشتم، چون حریف‌ها زیر پایم می‌زدند و زمین می‌خورم، همیشه بدنم کبود بود. یک بار هم سر مبارزه با حریف روپایی نداشتم و آن قدر که با انگشت پایه کلاهش ضربه زدم، انگشتانم خونی شد. با وجود این هیچ وقت از تکواندو دل‌سرد نشده‌ام.

● از حامی و مشوق‌های اصلی‌ات بگو.

مربی جدیدم، خانم غیور، به ما آن قدر انگیزه می‌دهد که فکر می‌کنیم قهرمان کشوریم. بعد مادرم و پدرم که هیچ وقت پشتم را خالی نمی‌کنند. حتی پدرم در خانه من را به تمرین می‌گیرد تا آماده‌تر شوم.

زیادی پیدا کردم. با این تجربه‌های خوب هیچ وقت نمی‌توانم بگویم تکواندو ورزش رزمی خشنی است.

● این همه تلاش ارزش داشت؟

بله، الان با کمک هاو دلسوزی‌های مربی‌ام، خانم غیور، صاحب کمر بند قرمز در سبک پومسه هستم که با همین کمر بند در مسابقات چند ماه گذشته استانی تکواندو موفق شدم. تکواندو کار کمر بند مشکی را شکست بدهم و به مدال نقره برسم.

● چه برنامه‌ای در زمینه ورزش داری؟

کم‌کم موفقیت در مسابقات کشوری و ان شاء الله... عضویت در تیم ملی برای رسیدن و موفقیت در المپیک.



فاطمه شوشتری ارزش برای رسیدن به موقعیت امروزش کم تلاش نکرده است: آن قدر که برنامه‌هایش را کنار هم چیده تا هم برای مدرسه و درس وقت داشته باشد، هم برای ورزش، موسیقی، نقاشی، کتاب خواندن و کلاس زبان انگلیسی رفتن. اتفاقاً با برنامه ریزی دقیق از پس انجام‌شان هم برآمده است. هم شاگرد اول کلاس‌شان در پایه پنجم است. هم در مسابقات استانی تکواندو مدال نقره را به گردن انداخته و هم برای ویولون نوازی به چند گروه موسیقی دعوت شده است. رزو حیدی، نوجوان محله صادقیه، با این تلاش‌ها حالا صاحب کمر بند قرمز تکواندو است و برای آینده ورزشی‌اش فکرهای بلندی در سر دارد: فکر اینکه یک روز روی سکوی المپیک پرچم ایران را بالا ببرد.

● از علاقه‌ات به ورزش بگو و اینکه چطور از تکواندو سردرآوردی؟

پدرم کمر بند زرد تکواندو را دارد. خواهرم هم تکواندو کار و سوارکار است. بودن آن‌ها جلو چشمم مشتاقم کرد. وارد مهدکودک که شدم، اول ژیمناستیک را تجربه کردم. بعد مدتی شنارا یاد گرفتم و در نه سالگی سر از تکواندو درآوردم.

● ورزش رزمی برای تو که دختر با احساسی هستی، کمی خشن نبود؟

تکواندو به من یاد داد مقاوم باشم. از طرف دیگر با این ورزش دقت و تمرکز رفت بالا و اعتماد به نفس